

## پانته‌ایسم و واقع‌گرایی اخلاق رواقی

\* افلاطون صادقی

\*\* فرنگیس براز

\*\*\* یدالله رستمی

### چکیده

یکی از تعالیم بسیار پایدار غایت‌شناسی در تاریخ اندیشه مذهبی که خدا و جهان را امری واحد تلقی می‌کند پانته‌ایسم است. یکی از مکاتب پانته‌ایستی، رواقیان هستند که خدا را نه امری مجرد و مستقل از عالم هستی بلکه آن را ماده‌ی فعال و کل جهان هستی می‌دانند. در تعالیم رواقیان خدا به بهترین نحو در ارتباط با جهان فهمیده می‌شود، در این اندیشه، خدا و جهان یکی است و خدا و طبیعت دو نام برای یک واقعیت عام هستند. سراسر هستی را قانون تقدیر (لوگوس، عقل یا خدا) فرا گرفته است. اخلاق رواقی، جدای از کیهان‌شناسی قابل فهم نیست. زیرا اخلاقیات را حاصل روابط علی و معلولی و برخورد با جهان مادی می‌دانستند و آن را از کیفیات جسمانی و تأثیر روح فعال جهانی بر امور مادی و ذهنیات خود تلقی می‌کردند. اخلاق پانته‌ایستی آنان، نوعی روان‌شناسی روح شبیه واقعیت مقدس، که به بررسی و شناخت جایگاه نهایی بشری در این جاودانگی و تعالی از همه موجودات می‌پردازد.

### واژه‌های کلیدی

رواقی و رواقیان، پانته‌ایسم، واقع‌گرایی، اخلاق.

### مقدمه

\* - استادیار گروه الهیات و دانشگاه پیام نور تهران مرکز.

\*\* - کارشناس ارشد فلسفه، گرایش اخلاق.

\*\*\* - کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی

a- sadeghi.pnu.ac.ir

f\_baraz@yahoo.com

rostamy۱۷@yahoo.com

در این مقاله به بیان ارتباط فلسفی پانته‌ایسم و واقع‌گرایی اخلاق پرداخته شده که تاکنون این ارتباط در هیچ مقاله و کتابی بیان نشده است. البته واقع‌گرایی اخلاق و اندیشه پانته‌ایسمی به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته اما تاکنون هیچ اشاره‌ای به "پانته‌ایسم و ارتباط آن با واقع‌گرایی اخلاق رواقی" نشده است. البته پروفیسور دریک بالتزلی<sup>۱</sup> تنها به بیان پانته‌ایسم در فلسفه پرداخته و اشاره‌ای به ارتباط آن با اخلاق نکرده است. شیوه بررسی در این مقاله تحلیلی و پژوهشی است. پانته‌ایست کسی است که کل هستی و تمام موجودات را یک کل مقدس زنده تلقی می‌کند و معتقد است در درون انسان و در سراسر هستی نیرویی (علت و تقدیر) هست که جهان را اداره می‌کند و نیرویی بیرون از جهان قرار ندارد و خدا در بطن جهان است. یکی از مسایل مهم در نظریه رواقیان این است که؛ با وجود اعتقاد به «همه وجودگرایی»، آیا آنان ارزش‌های اخلاقی را دارای واقعیت می‌دانند یا صرفاً ابداع نوع بشر؟ آنان جملات اخلاقی را انشایی و بیانگر خواست و احساسات گوینده نمی‌دانند بلکه از نظر آنان، این جملات، جملات اخلاقی اخباری و دارای ما به ازای خارجی است. اما چون دیدگاه پانته‌ایستی رواقیان ارتباط تنگاتنگی با هستی‌شناسی دارد، می‌توان گفت؛ در حقیقت آنها گزاره‌های اخلاقی را امری بیرونی و قابل صدق و کذب می‌دانستند و به تبیین احکام اخلاق و درستی و نادرستی آنها می‌پرداختند. آنها معتقدند که منبع و ملاک شناخت ما از عالم تجربه‌ی حسی است و اجسام را امری واقعی و حاصل امور علی و معلولی و تقدیر و مشیت در جهان بیرون، و فضیلت را زندگی بر وفق طبیعت (جهان) می‌دانستند.

## رواقی<sup>۲</sup> و رواقی‌گری<sup>۳</sup>

بعد از سقراط، علاوه بر مکتب افلاطون و مکتب ارسطو، چهار مکتب دیگر نیز به وجود آمد که هر کدام به نحوی ادامه دهنده مکتب سقراط به شمار می‌رفتند. هر کدام از این مکتب‌ها در حقیقت، شاخه‌ای از فلسفه سقراط را ادامه می‌دادند. آن مکتب‌ها عبارت است از مکتب کلییان، مکتب شکاکان، مکتب اپیکوریان و مکتب رواقیان.<sup>۴</sup> مؤسس مکتب رواقی مردی ست به نام زنون که اهل قبرس است. رواقیان از آن جهت رواقی خوانده شدند که زنون در یک رواق می‌نشسته و تدریس می‌کرده است.<sup>۵</sup> فلسفه رواقی منحصر به یک تن نیست. بلکه مرکب از استادان و شاگردانی است که آن را بنا گذاشتند و نحله‌ای فلسفی را به وجود آوردند.<sup>۶</sup> معمولاً سه دوره رواقی را در تاریخ فلسفه نام می‌برند: اول: رواقیون قدیم:

<sup>۱</sup>-Dirk Baltzly.

<sup>۲</sup>-Stoic.

<sup>۳</sup>-Stoicism.

<sup>۴</sup>- مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، ج ۲ (کلام، عرفان، حکمت عملی).

<sup>۵</sup>- صلیبا، جمیل، فرهنگ فلسفی، ص ۳۷۷.

<sup>۶</sup>- برن، ژان، فلسفه‌ی رواقی، پورحسینی، ص ۴۶.

مثل زنون سیتیومی و کلئانتس و خروسیپوس که در قرن سوم قبل از میلاد می‌زیستند. دوم: رواقیون متوسط: مثل پانه سیوس و پوزیدونیوس آنتی پاتر که در قرن دوم قبل از میلاد می‌زیستند. سوم: رواقیون دوره جدید: مثل سنکا و اپیکتوس و مارکوس اورلیوس که در قرن اول و دوم بعد از میلاد می‌زیستند.<sup>۷</sup> رواقیان در برخی نظریات خود تحت تاثیر نظریات کلیان بودند، ولی اساس نظریه‌شان در حکمت عملی، مستقل است. آنها حکمت را تنها برای تعیین تکلیف زندگانی و دستور اخلاقی می‌دانستند و استفاده علمی از آن نمی‌خواستند.<sup>۸</sup> هدف فلسفه‌ی رواقی آموختن هنر زندگی کردن و راه درست زیست به انسان بود. فلسفه‌ی رواقی آخرین کوشش بود که در دنیای باستان در راه یافتن علم اخلاق طبیعی نموده بود. زنون تلاش نمود یک بار دیگر وظیفه‌ای را که افلاطون در آن شکست خورده بود را به انجام برساند.<sup>۹</sup> مهمترین افتخار فلسفه‌ی رواقی کوشش برای نجات و رفع ترس از آدمیان بود. کسی که رواقی است، از وصول به چیزی شاد و از فقدان چیزی غمگین نمی‌شود. او معتقد است هرچه در طبیعت واقع شود، تحت تأثیر عقل کلی یا تقدیر رخ می‌دهد.<sup>۱۰</sup>

### پانته‌ایسم<sup>۱۱</sup>

همه‌خدایی یا پانته‌ایسم دیدگاهی است که جهان (طبیعت) را با خدا یکی می‌داند.<sup>۱۲</sup> ریشه‌ی لغت پانته‌ایسم یونانی است؛ که از دو واژه‌ی pan به معنای "همه" و Theo به معنای زئوس یا خدا تشکیل شده است. که در این دیدگاه ارتباط خدا با جهان به بهترین شیوه تعیین و مشخص شده است.<sup>۱۳</sup> در میان دیدگاه‌های فلسفی پانته‌ایستی تباین و تضادهایی وجود دارد اما ایده مشترک همه آنها این است که جهان، یک کل واحد، احاطه‌ای و طبیعتی مقدس است. جهان به شکل صدف یک حلزون یا بازوان مارپیچی است که دارای زنجیره پنهانوری (با هزار سال نوری) از یک واحد است.<sup>۱۴</sup> هر شکلی از پانته‌ایسم موضوعاتی مثل خدا و فرضیه‌ی غایت‌انگاران و فرضیه‌ی ایدئولوژیک (آرمانی) را نیز به دنبال دارد: (۱) فرضیه‌ی مرولوژیک (سیستم منطقی): هر چیزی که در ترکیب هستی قرار دارد جزء این امر واحد محسوب می‌شود. (۲) فرضیه‌ی ایدئولوژیک (آرمانی): واحد یک امر کاملاً مقدس است که باعث

<sup>۷</sup> - بریه، امیل، تاریخ فلسفه، جلد دوم، ص ۴۷.

<sup>۸</sup> - شهیدی، سید جعفر، لغت نامه، فرهنگ متوسط دهخدا، ص ۱۵۰۲.

<sup>۹</sup> - دورانت، ویل، تاریخ تمدن یونان باستان، ترجمه: پیر نظر، هوشنگ، آریایی، امیرحسن، مجتبیایی، فتح اله.

<sup>۱۰</sup> - کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه‌ی یونان و روم، ترجمه: مجتبی، سید جلال الدین.

<sup>۱۱</sup> - Pantheist.

<sup>۱۲</sup> - The new Oxford Dictionary of English clarendon press, ۱۹۹۱, pp.۱۳۴۱.

<sup>۱۳</sup> - Owen, H.P, Concept of deity, London, Macmillan, ۱۹۷۱.

<sup>۱۴</sup> - STOIC PANTHEISM, DIRK BALTZLY, School of Philosophy and Bioethics Monash University Clayton, Victoria, Australia Sophia, Vol. ۴۲, No. ۲, October ۲۰۰۳.

جهت‌دهی شیوه‌ها و ویژگی‌های مذهبی به سوی آن می‌شود. معنای هر دو فرضیه این است که جهان، خود امری واحد است که به طور خاصی به توضیح و چرایی و نحوه ارتباط صحیح خدا با ساختار جهان می‌پردازد و آن را به صورت یک موجود مقدس نشان می‌دهد. خدا، نمادی از تمام مقادیر و چیزهای بزرگ است که بر همه چیز واقف است و طبیعت وابسته به مفهوم خداست. چنانچه رواقیان نیز همین ادعا را دارند که واحد، رابطه منطقی این جهان بی‌نهایت زیبا را بیان می‌کند. رواقیان جهان را امری کلی و خدا می‌نامند که دارای نوعی وحدت است. آنها از واژه‌ی جهان<sup>۱۵</sup> به سه طریق استفاده می‌کنند: اول؛ خود خدا که فردی شایسته و شگفت‌انگیز و دارای همه جواهر<sup>۱۶</sup> و یا ذات<sup>۱۷</sup> است؛ دوم؛ موجودی فناپذیر و غیرقابل زایش و سوم؛ این که او سازنده نظم جهان<sup>۱۸</sup> است.<sup>۱۹</sup> معنای هر دو فرضیه واحد است و نوعاً به بیان دلیل چرایی و ارتباط صحیح آن یا این جهان به عنوان موجودی مقدس می‌پردازد.<sup>۲۰</sup>

طبق دیدگاه انتونی مکادو دیدگاه پانته‌ایستی (همه وجود گرا) دارای بار واقع‌گرایی است. یکی از مشکلات فهم بشری این است که با فهم و درک محدودش، ناتوان از درک واقعیت طبیعت به عنوان یک موجود کامل است. بشر تصور می‌کند که حس‌اش همه چیز را به صورت واقعی نشان دهد اما هرگز نمی‌تواند به رمز و راز این موجود مقدس پی ببرد. هرچند ممکن است انسان نگاهی سطحی به این واقعیت مقدس داشته باشد و با درک محدودش آن را به عنوان موجود مقدسی درک کند اما به این معنا نیست که بشر از این امر کاملاً غافل و ناآگاه است. نمی‌توان خدا را به عنوان اصطلاحی عقلانی توصیف یا تعریف کرد، بلکه فقط می‌توان آن را حس کرد یا به‌طور مستقیم و به‌طور فطری او را درک و تجربه کرد. شبیه حس مربوط به وجود و هستی خدا که همه ما به خوبی در حرکات آگاهی‌های غیر عقلانی درک می‌کنیم.<sup>۲۱</sup> این خدایی که آفریدگار جهان است، در عین حال واقعیت جوهری جهان هم هست. زیرا عقل نه تنها منبع اشیا است بلکه جوهری است که همه جا و همه اشیا از آن ساخته شده‌اند. پس خدا نه تنها اصل آفریننده جهان است، بلکه خود جهان است، در تحقق راستین و وحدت خدشه‌ناپذیرش. رواقیون جهان را همان ذات خداوند می‌دانستند. عقل قانونی است که همه چیز را به هم پیوند می‌دهد پس سرپیچی از آن محال است. این همان قانون سرنوشت یا تقدیر است. سرنوشت، علت همه اشیا است و تسلسل همه علت‌های جزئی از خدا است که همان عقل کل است. این تسلسل هم بر

<sup>۱۵</sup>-Kosmos.

<sup>۱۶</sup>-Ousia.

<sup>۱۷</sup>-Substance.

<sup>۱۸</sup>-world-order (Dia kosmos).

<sup>۱۹</sup>-Diogenes Laertius, lives of Eminent philosophers, by DL and Ciceros on nature of the god with end stoic pantheism, page.۴۸p.

<sup>۲۰</sup>-Stoic Pantheism, Dirk Baltzly, School Of Philosophy and Bioethics Monash University Clayton, Victoria, Australia Sophia, Vol. ۴۲, No. ۲, October ۲۰۰۳, p.۱-۴.

<sup>۲۱</sup>- The Perennial Philosophy, Chapter I: A Pantheistic View of Reality, p.۸-۱۰.

همه امور آینده و هم بر امور حال و گذشته حاکم است.<sup>۲۲</sup> رواقیان از مهمترین فیلسوفان پانته‌ایسم‌گرا محسوب می‌شوند زیرا از نظر آنان خدا مفارق و متعالی از جهان نیست بلکه او در وجود جهان جای دارد و جهان را کلی زنده می‌داند که تمام اجزاء آن، به وسیله تقدیر و سلسله علل و معلولات به هم پیوند داده است و چون عقل انسان نمود لوگوس جهانی است، پس فضیلت زندگی بر وفق عقل جهانی (طبیعت) است، به همین خاطر رواقیان «همه وجود‌گرا» یا «همه خدا‌انگار» هستند.<sup>۲۳</sup> آنان جهان را واحدی یگانه می‌دانند که همه چیز را در بر می‌گیرد و توسط یک موجود زنده معقول و متفکر اداره می‌شود.<sup>۲۴</sup>

در فلسفه‌ی رواقی، خدا چهار معنی دارد ۱. کل جهان ۲. اصل فعال ۳. آتش مدبر<sup>۲۵</sup> یا خالق ۴. دم گرم یا پنوما. خدای رواقی شامل تمام اصول اساسی است. این اصول همان چیزی است که باعث خلق هر چیزی طبق تقدیر و مشیت می‌شود. آتش نخستین، همان بذر اولیه‌ای است که شامل تمام اصول منطقی همه اشیا و علل رخدادهای گذشته، حال و آینده است.<sup>۲۶</sup>

خدای رواقی موجودی است جاودان، دانا، کامل، بدون هیچ شر و نسبت به جهان، آینده‌اندیش. آنان خدا را صاحب صلاح و مصلحت خود می‌دانند تا همه چیز و همه سختی‌ها را تحت تقدیر او تحمل کنند. او با دانایی فوق‌العاده‌اش این تناسب را می‌بیند و حکم می‌کند.<sup>۲۷</sup> او ساکن در جهان است البته نه به صورت انسانی، او خالق این جهان بوده و هست. او در تمام اجزا و بخش‌ها در سراسر اشیا عالم پراکنده است. هر کس او را طبق نیروها و قدرتش در عالم می‌شناسد و او خالق هر دستور، نظم، اصول و قوانین یا ارخه<sup>۲۸</sup> در تمام هستی است. در دیدگاه آنان، در کل دو اصل وجود دارد، اصلی که منفعل است و عملی روی آن صورت می‌گیرد و اصل فعال که روی چیزی عملی را انجام می‌دهد که این همان خدا یا لوگوس است.<sup>۲۹</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۲۲</sup> - ر.ک: ورنر، شارل، حکمت یونان، ص ۲۰۳.

<sup>۲۳</sup> - ژکس، اخلاق یا حکمت عملی، ترجمه: پورحسینی، ابوالقاسم، صص ۷۴-۷۳.

<sup>۲۴</sup> - A.A.Long & D.N Sedely, The Hellenistic Philosophers, ۱۹۸۷, Cambridge University Press, vol. ۱, page, ۳۳۲-۳۳۸.

<sup>۲۵</sup> - designing fire (Par technikon).

<sup>۲۶</sup> - The Hellenistic philosophy, p. ۲۷۶.

<sup>۲۷</sup> - Macila Colish, Stoic tradition from Antiquity to the early middle ages, How to wives the use of external, p. ۶۳-۶۳.

<sup>۲۸</sup> - Archai.

<sup>۲۹</sup> - Stoic Pantheism, Dirk Baltzly, School Of Philosophy and Bioethics Monash University Clayton, Victoria, Australia Sophia, Vol. ۴۲, No. ۲, October ۲۰۰۳, p. ۱-۵.

## واقع‌گرایی

واقع‌گرایی اخلاقی، دیدگاهی است که به وجود اموری واقعی معتقد است که اعمال و اشیا در رابطه با آنها، درست یا غلط، خوب یا بد می‌شود طبق این دیدگاه، صفات اخلاقی، صفات اصیل چیزها یا کارها هستند. و نیز معتقد است در عالم، حقایق و اموری وجود دارد که بیان می‌کند کدام اعمال درست و کدام اعمال خطا است، چه اشیا خوب و چه اشیا بد است. به عبارت دیگر، دیدگاهی است که واقعیت‌های اخلاقی را مستقل از باورها و رویکردهای انسان تلقی می‌کند.<sup>۳۰</sup> اصطلاح واقع‌گرایی در این حقایق اخلاقی از موقعیت‌ها، اشخاص و اعمالی ساخته شده‌اند که مظاهر اخلاقی تحویل ناپذیر دارند. مظاهر اخلاقی، عینی و مستقل از امیال و نگرش‌های آدمیان هستند.<sup>۳۱</sup> از نظر رواقیون، قوانینی که در سراسر جهان حاکم است، تقدیر<sup>۳۲</sup> نام دارد و این همان لوگوس است که در بطن طبیعت و انسان قرار دارد و جهان را طبق قانون خود به حرکت در می‌آورد. فضیلت انسانی، عمل بر طبق این قوانینی است که بر سراسر جهان حاکم است. فهم فلسفه و اخلاق رواقی جدا از کیهان‌شناسی آنها ممکن نیست. این تقدیر، موجود زنده و فعالی است که دارای یک جوهر و روح است. همه‌ی اشیا از یک علم و آگاهی نشأت می‌گیرند. پس عالم به یک‌باره مادی و الهی است. ماده اولیه هستی آتش است که به واسطه‌ی اصلی عقلانی (لوگوس یا خدا یا تقدیر) به حالات فیزیکی گوناگون تبدیل می‌شود. طبیعت و انسان هم جزیی از این کل محسوب می‌شود پس باید فعل انسانی نیز منطبق بر آن باشد.<sup>۳۳</sup>

رواقیان جهان را حاصل بک سلسله امر علی و معلولی، و علت را امری مادی می‌دانستند و معتقد بودند علتی جسمانی است و چون جسمانی است، پس علت وجود و هستی اشیا نیز جسمانی و امری نامجرد است. آتش امری جسمانی است، پس چوب هم امری جسمانی است، پس آتش هم که موجب سوختن جسم می‌شود، یک علت غیرمجرد است. علت اولیه‌ای، که علت معلولات پایین‌تر از خودش است، در واقع همان علت نگهدارنده<sup>۳۴</sup> است، که پیوسته در سراسر معلولات تدوام دارد. این علت متداوم، هم معنی با علت تام است، که دارای فعالیت کامل و ایجاد کننده معلول است. علل معین<sup>۳۵</sup> که از فعالیت کامل، و علایم پایدار علت تام خبر می‌دهند. اگر علل معین، یک معلول را در پی داشته باشد پس می‌تواند علت واقعی آن چیز و حتی تمام پیامدهای آن باشد. علل معین؛ عامل شور و هیجان در

<sup>۳۰</sup> - اینتایر، السدرمک، تاریخچه‌ی فلسفه‌ی اخلاق، ترجمه: رحمتی، انشالله.

<sup>۳۱</sup> - بوجورف، پانایوف، واقع‌گرایی اخلاقی، ترجمه: سید حسینی، اکبر.

<sup>۳۲</sup> - fate.

<sup>۳۳</sup> - Diogenes Laertius, lives of Eminent philosophers, by DL'and Ciceros on nature of the god with end stoic pantheism, page ۴۷P.

<sup>۳۴</sup> - Sustaining, (sunektiken).

<sup>۳۵</sup> - Auxiliary, (sunergon).

سراسر موجودات هستند. "علت رابط"<sup>۳۶</sup> را می‌توان از مواردی مثل ناتوانی و عدم استقلال در ایجاد معلول شناسایی کرد. رواقیون تقدیر را به عنوان پیامد علل و به عنوان امری منظم، غیرقابل اجتناب، و عامل اتصال، توصیف می‌کنند.<sup>۳۷</sup>

از جهان موجودی زنده و بخرد به نام روح به وجود آمد که دارای عقل است. بدین گونه، جهان تبدیل به موجود زنده‌ای شد که روح دارد یعنی دارای حواس است. نفس جهانی دارای نفوس متعدد است که نفس انسان بخشی از این روح است.<sup>۳۸</sup> جهان روح متفکری است تو در تو که هرگز نمی‌میرد بلکه در زمان‌های معین باقی می‌ماند. فضیلت روح این است که مانند هر چیزی در این آتش منحل خواهد شد. طبیعت روح، حرکت است. حرکت و امیال همه مربوط به روح است و با حاکمیت عقل بر اعمال و تصورات، عمل صحیح رخ می‌دهد، این حرکت روح جهانی هم در انسان و هم در حیوانات مشاهده می‌شود. نماد روح از دیدگاه رواقیان همان اختابوس است، شاید این تصویر و نماد به فهم ما از روح جهانی بیشتر کمک کند.<sup>۳۹</sup>

رواقیان به دلیل اعتقاد به دیدگاه‌های پانته‌ایستی، واقع‌گرا هستند. واقع‌گرایی اخلاقی، یعنی باورهای اخلاقی را در صورتی صادق بدانند که وابسته به باور دیگری باشد و باورها وابسته به چیزهای مستقلی به نام واقعیت هستند. یعنی واقعیات اخلاقی مستقل از باورهای ما وجود دارند و تعیین می‌کنند که باورها صادق اند یا کاذب. صفات اخلاقی اصیل، و اوصاف حقیقی کارها یا چیزها هستند. به تعبیر دیگر اینها جزء اسباب و اثاثیه عالم محسوب می‌شوند.<sup>۴۰</sup>

با مشاهده تغییراتی که در طبیعت رخ می‌دهد می‌توان دریافت که هیچ چیز از روی صُدفه و اتفاق در طبیعت رخ نمی‌دهد. رواقیان که پیرو دوره‌های متناوب جهانی هستند ارتقای الهی هر کول به مقام خدایان را که توسط آتش صورت می‌گیرد، قبول دارند. این امر باز نمودی از یک زنجیره جهان کبیر - جهان صغیر بین جذب در آتش مقدس و تقدیس‌سازی فردی است.<sup>۴۱</sup> آنتی‌رنالیست بودن رواقیان و استدلال رواقی در فلسفه در رد کلیات را می‌توان از جنبه‌ی فلسفی آنان مورد بررسی قرار داد که ادامه‌ی اعتراض ارسطو به افلاطون است. رواقیان به طور کلی کلیات را رد می‌کنند و کلیات را عبارت از "این چیز" می‌دانند یعنی چیزی که نه هستی دارد نه جوهر اما این امر خود باعث تقویت دیدگاه واقع‌گرایی

<sup>۳۶</sup> -Joint – cause, (sunaiton).

<sup>۳۷</sup> -A.A.Long &D.N Sedely, The Hellenistic Philosophers, ۱۹۸۷, Cambridge University Pressed, vole, ۱. page,۳۳۵-۳۳۸.

<sup>۳۸</sup> -لائرتیوس، دیوگنس، فیلسوفان یونان، ترجمه: رحمانی، بهراد، ص ۳۲۰.

<sup>۳۹</sup> -The Hellenistic philosophy, part, soul, p. ۳۱۷-۳۲۱.

<sup>۴۰</sup> -مک ناوتن، دیوید، بصیرت اخلاقی، ترجمه: فتحعلی، محمود، صص ۲۵-۲۶.

<sup>۴۱</sup> -Williom. O. Estephen, Stoic ethis, p. ۲۸-۳۱.

اخلاق آنان شد. زیرا آنان همه چیز حتی اخلاق را حاصل امور بیرونی و روابط علی و معلولی جهان بیرون یعنی از کیفیات جسمانی می‌دانستند.<sup>۴۲</sup>

ویژگی برجسته هستی‌شناسی رواقیان این است که اجسام را به عنوان تنها واقعیت می‌شناسند. و امور اخلاقی را از کیفیات جسمانی تلقی می‌کنند. موجود<sup>۴۳</sup> امری قابل لمس و همان امور جسمانی است، آنها ماده را به دو بخش ماده‌ی فعال (لوگوس یا خدا) و ماده‌ی منفعل تقسیم می‌کنند. ممکن است کسی درک نکند که با وجود این که یکی دارای نقش فعال و دیگری دارای نقش منفعل است اما هر دو جسم هستند یکی موجود نامحدود و کامل<sup>۴۴</sup> که ساکن و پایدار است، اما شبیه جسم، دارای کیفیت و قابل لمس خاص است و مستقیماً نمی‌تواند فعالیت کند یا چیزی کسب کند، اما برخی اجسام در مقایسه اجسام معمولی می‌توانند تأثیرگذار باشند؛ برای مثال روح به طور قابل قبولی بر روی جسم عمل می‌کند (حس ترس، حس شرمندگی) یا جسم بر روی روح عمل می‌کند (حس درد).<sup>۴۵</sup>

### اخلاق رواقی

اخلاق رواقی مبتنی بر دو اصل است که بیشتر در طبیعات‌شان بسط یافته است. نخست این که جهان با قانون مطلق اداره می‌شود که هیچ استثنایی هم نمی‌پذیرد. دوم این که طبیعت ذاتی انسان، عقل است. این دو اصل، در قاعده مشهور اخلاق رواقیون که «مطابق طبیعت زندگی کن» نمودار می‌شود که دارای دو جنبه است. یکی این که انسان‌ها با طبیعت در معنای وسیع هماهنگ باشند دوم این که با طبیعت در معنای محدودتر یعنی طبیعت ذاتی‌شان یا عقل هماهنگ باشند. اخلاق، تنها عملی است که عقلانی است. بشر خردمند باید زندگی‌اش را تابع زندگی عالم کند که این اصل، همان طبیعت است.<sup>۴۶</sup> زنون فضیلت را همان زندگی بر وفق طبیعت می‌داند و لوگوس تنها عنصر عقلانی است که بر همه‌ی رویدادها سلطه‌ی مطلق دارد و به جهان آفرینش جهت می‌دهد خرد انسان هم جنبه‌هایی از این خرد الهی است. بنابراین انسان این توانایی را دارد که درک کند عنصرهای عقلی حاکم را که جهان را اداره می‌کند و هماهنگ با آن زندگی کند و این هماهنگی فضیلت و خوشبختی است. زندگی فضیلت‌مندانه برابر است با زیستن مطابق پیشامدهای مسیر واقعی طبیعت. زیرا طبیعت فردی خود بخشی از طبیعت کل عالم است. پس زندگی مطابق طبیعت را هم می‌توان موافق با طبع بشر و هم طبیعت عالم تعریف کرد.<sup>۴۷</sup> انسان با فضیلت هم اهل تأمل و هم اهل نظر و هم اهل عمل است. فضیلت، امری آموختنی است. کلئانتس

<sup>۴۲</sup>-David Sedley, 'The Stoic theory of universals' ۱۹۸۵, The Southern Journal of Philosophy, p. ۲۳.

<sup>۴۳</sup>-Onta.

<sup>۴۴</sup>- Opoios – Ousia.

<sup>۴۵</sup>- Stoic metaphysic, jacouses brunswick, pp: ۲۱۰ – ۲۱۸.

<sup>۴۶</sup>- ر.ک: ترنس، والتر، استیس، تاریخ انتقادی فلسفه‌ی یونان، ص ۳۲۳.

<sup>۴۷</sup>- هالینگ دیل، آ.ر.ج، مبانی تاریخ فلسفه‌ی غرب.



می گوید کسی که دارای فضیلت است آن را از دست نمی دهد. اما ممکن است فردی به علت مستی یا مالیخولیا فضیلت را از دست بدهد. فضیلت متضمن عقل و دانش، و در نتیجه به مثابه ی یک موجود زنده است.<sup>۴۸</sup>

رواقیان، فیلسوفانی تجربی مذهب محسوب می شوند، حتی فهم عامه را که تمام بشر در آن سهیم- اند، تجربی می دانند و این حس مشترک را امری ذاتی و درونی نمی دانند. به خاطر وجود عقل در همه- ی ابنای بشر؛ شناخت شناسی را یکسان تلقی می کنند.<sup>۴۹</sup>

معرفت یافتن به این که همه چیز بر وفق طبیعت است (واقع گرایی)، مستلزم درک فلسفی از کل عالم است (پانته ایسم). رواقیان برای درک چنین فهمی، روش تجربه گرایان را در پیش گرفتند. رواقیان معتقدند که درک صحیح امیال و بیزاری ها مستلزم طرح این پرسش است: چه چیزی فی نفسه خوب است و چه چیز بد است و چه چیزی فی نفسه نه خوب است نه بد؟ از دید رواقیان چیزی که فی نفسه خوب است فضیلت است، که موافق با طبیعت حرکت می کند، و یگانه چیزی که بد است، رذیلت است که مخالف حرکت عقلانی حرکت می کند و تمام چیزهای دیگر فی نفسه نه خوب است نه بد، یعنی خنثی هستند. شاید دلیل رواقیان برای انتخاب این امور این بود که برخی در رسیدن به سعادت نقش مثبت و برخی، نقش منفی دارد. رواقیان معتقد بودند که ترجیح برخی چیزها امری طبیعی است، اگر به فهم طبیعت بشر نایل شویم پی می بریم که خمیر مایه ی وجود ما به نحوی قوام یافته که لذت را بر درد ترجیح می دهیم.<sup>۵۰</sup>

یکی از پیامدهای اندیشه پانته ایستی ظهور تضاد و تفاوت در واحد است. الوهیت یکی است، در حالی که او متعدد نیز هست. او به شکل های ناب و خالصی ظهور می کند. پانته ایسم گرا نمی تواند واحد را بدون تعدد درک کنند. این جهان متنوع و گوناگون دارای شکل های متعدد و نامحدودی است که لازمه ی ضروری ذات مقدس خداوند است. یکی دیگر از پیامدهای این وحدت گرایی و یگانگی خدا، تصدیق و تأیید این مطلب است که ذات همه موجودات شبیه ذات خداوند ابدی و فناپذیر است،<sup>۵۱</sup> و علل عقلانی جهان، بیانگر روابط علی و معلولی پدیده هاست که باعث ایجاد بسط و گشایشی در قضایا و امور بشری می شود. خروسیپوس در مورد مسأله ی اراده ی انسانی و فرار از حاکمیت مطلق تقدیر و جبر حرکات اختیاری ذهن را موجب آزادی ما از تقدیر می داند، او با بیان علل فرعی و اصلی، سعی در حل

<sup>۴۸</sup>- ر.ک: برن، ژان، فلسفه ی رواقی، ص ۱۳۷.

<sup>۴۹</sup>- Marcia Colish, Stoic Tradition from Antiquity to the early middle Ages, ۱۹۸۵. Vole, page ۵۳-۵۱.

<sup>۵۰</sup>- هولمز، رابرت ال، مبانی فلسفه ی اخلاق، ترجمه: علیا، مسعود، صص ۲۰۷-۲۰۰.

<sup>۵۱</sup>- the perennial philosophy, chapter i: a pantheistic View of Reality, p.۸-۱۰.

این مسأله دارد. خروسیپوس اعمال غیر عمدی را تحت تأثیر تقدیر می‌داند.<sup>۵۲</sup> علل اصلی (غلتک خوردن ذاتی خود غلتک) همواره به جای خود باقی است اما علل فرعی (وارد شدن نیرو بر غلتک) همه مسبوق به علل پیشین و اراده فرد است. با تسلسل علل، عقل (لوگوس) اشیا را برحسب قواعد کلی انتظام می‌بخشد و عالم را به صورت یک اثر هنری شایسته در می‌آورد. اما در کل روایان نتوانستند برای مسأله جبریت حاصل از حاکمیت تقدیر، راه حلی پیدا کنند.<sup>۵۳</sup>

از نظر آنان جهان ظاهری دارد و باطنی؛ ظاهر آن همان ماده و باطن آن را خدا می‌دانستند. از نگاه آنان عالم یکسره جسمانی است و به چیزی به نام مجردات قائل نبودند. به تغییرناپذیری امور و قضای الهی اعتقاد داشتند و معتقد بودند هر پدیده‌ای در هر زمانی و در هر مکانی با هر شرایط قطعی در قضای الهی (همان دیدگاه پانته‌ایستی) پیش‌بینی شده است و به هیچ وجه قابل تغییر نیست. علی‌رغم این اعتقاد برای انسان قائل به اراده بودند و به تبیین احکام اخلاق و درستی و نادرستی آنها می‌پرداختند و اراده‌ی انسان را امری کاملاً اختیاری و یگانه چیزی که متصف به حسن و قبح می‌شود؛<sup>۵۴</sup> می‌دانستند.

استوارترین شالوده ایمان ما به خدا؛ شناخت نظم موجود در جهان و این که نظم و جمال جهانی را دستاورد خداوند بدانیم. وجود خدا برای ما محسوس‌تر می‌شود. روایون معتقدند که خدا بیکار نیست بلکه فعالیت امری ذاتی خداوند است و در پدید آوردن جهان بستگی بر او راه نمی‌یابد و بی‌تردید جهان را به خیر هدایت می‌کند.<sup>۵۵</sup>

روایون تا آنجا به پدیده‌های طبیعی توجه داشتند که نهاد عقلانی و غرض‌مند جهان را کشف کنند یعنی به جهان با نگاه دینی می‌نگریستند همه چیز رنگ الوهیت دارد. همه چیز تابع قانون عقلانی است. روایون، همگی سرسختانه تابع سرنوشت باوری بودند. لوگوس از حیث خلوص و تنش<sup>۵۶</sup> در موجودات گوناگون دارای نمودهای مختلف است. پس اجزای عالم به سوی امر نیک در حرکت است. در نظر روایون چیزی به نام بد وجود ندارد بلکه چیزی که بد شمرده می‌شود، نتیجه تدارک ثانویه خدا برای جهان است و بدی در کل نتیجه تفسیر سوء آدمیان از نعمات خداوند است.<sup>۵۷</sup>

اصل هستی ماده فعال، همان اصل الهی یا لوگوس مقدس است که بر روی ماده و ذهن عمل می‌کند و به وسیله تقدیر به هدایت جهانی می‌پردازد؛ یعنی خدا حاکم بر جهان است. خدا عین طبیعت

<sup>۵۲</sup> -Macila Colish, Stoic tradition from Antiquity to the early middle ages, How to wives the use of external, p.۶۳-۶۵.

<sup>۵۳</sup> -مصباح یزدی، محمد تقی، نقد و بررسی مکاتب اخلاق، ص ۲۶۱.

<sup>۵۴</sup> -Beautiful, (kalon).

<sup>۵۵</sup> -شارل، ورنر، سیر حکمت در یونان، ص ۲۰.

<sup>۵۶</sup> -The stretched medium, (Tension).

<sup>۵۷</sup> -جانانان ری، آرمسن، فیلسوفان یونان و روم، صص ۱۲۹-۱۲۶.

است و فعل انسان باید مطابق با این قوانین الهی انجام گیرد تا فضیلت محسوب شود. فضیلت عبارت است از موافقت آگاهانه با این قوانین الهی. تمام اجزای عالم هماهنگ با هم عمل می‌کند. سیر حرکت جهان، سیری دورانی است. هستی در یک آتش سوزی مهیب می‌سوزد و دوباره جهانی پدید می‌آید با همان خصوصیات، سرنوشت و تقدیر جهان قبلی؛ هیچ چیز تازه‌ای در جهان رخ نمی‌دهد.<sup>۵۸</sup> از نظر رواقیون کل جهان دارای یک "نمو" هدف عقلانی است. تنها یک اصل وجود دارد که از جنبه ظاهری، آتش و از جنبه وظیفه و کارکرد، لوگوس است.<sup>۵۹</sup>

قوانین لوگوس لایتغیر است. شرایط بازی برای همه‌ی انسان‌ها یکی است. از نظر خروسیوس همه چیز از قبل مقدر شده است، پس این خود انسان‌ها هستند که می‌توانند با رضایت کامل، قوانین الهی را بپذیرند. یعنی این که از نظر ذهنی و روحی تقدیر را بپذیریم.

"اپیکتوس" معتقد است که حرکت عالم را باید مظه‌ری از اراده خدا دانست و سفارش می‌کند که باید انسان این اراده را بپذیرد و اراده انسان تحت این اراده قرار بگیرد. و به این وسیله انسان باید روشی را در زندگی انتخاب کند، و جهان‌بینی وی باید جهانی باشد.<sup>۶۰</sup> این امر کاملاً اختیاری است. اما امور بیرونی تحت کنترل ما نیستند پس همواره باید مراقب امور بیرونی باشیم. این تنها اراده من است که تحت کنترل من است، پس باید خیر و شر را در درون خود جستجو کنم؛ نه در امور بیرون. یکی این که نسبت به حوادث بیرونی، حالت خنثی داشته باشد. یعنی این که تحت تأثیر حوادث و امور بیرونی قرار نگیرد و آرامش درونی خود را حفظ نماید، زیرا یکی از جنبه‌های مهم اخلاقی، خنثی بودن نسبت به امور جهان است.<sup>۶۱</sup>

از دیدگاه رواقی، اندیشه‌ی صحیح یا ذهنیات صحیح است که موجب فضیلت‌مند شدن فرد می‌گردد، بر این مبنا می‌توانیم بگوییم که اندیشه رواقی بیشتر بر ذهنیت تأکید دارد تا عمل. بر همین مبنا می‌توانیم بگوییم که رواقیون در پی درونی‌سازی شدیدی از اخلاق هستند. هر چند اخلاقیات را بر طبق فعالیت بیرونی تعبیر می‌کنند؛ اما این اعمال به طور اولیه مرتبط با انگیزه‌های درونی هستند.<sup>۶۲</sup>

"فضایل برآمده از نیروی درونی فرد است؛ چرا که از نظر رواقیون همه چیز خیر است و همه چیز به بهترین نحو ممکن مقدر شده است و اگر واقعاً از دیدگاه سرمدیت به آن نگاه شود، می‌بینیم که هیچ

<sup>۵۸</sup>- ژکس، فلسفه‌ی اخلاق یا حکمت عملی.

<sup>۵۹</sup> - Marcia Colish, *Stoic Tradition from Antiquity to the early middle Ages*, ۱۹۸۵, Vole ۱.

<sup>۶۰</sup>- علی اصغر، حلبی، تاریخ سیر فلسفه‌ی اروپا، ج ۱، ص ۱۹۶.

<sup>۶۱</sup>- A.A.LONG, *From Epicurus to Epictetus*. ۲۰۰۶, Clarendon Pressed, page ۲۷.

<sup>۶۲</sup>- حسن معلمی، مبانی اخلاق در فلسفه غرب، صص ۳۸-۳۶.

شری وجود ندارد. اگر هم شری در جهان وجود داشته باشد باعث برجسته شدن خوبی‌ها می‌گردد و می‌تواند تبدیل به نعمت شود.<sup>۶۳</sup>

"فانتازیا"<sup>۶۴</sup> یا "امر خنثی" دیدگاهی فضیلت‌مند در اخلاق رواقی است که بایستی آنچه را که همان‌طور که اتفاق می‌افتد و هست با آرامش بپذیریم و به جای امر محسوس، جایگزین ذهن شود، برای اطمینان از مطابقت این تصویر با موضوع، بایستی آن را مورد بررسی قرار داد. البته صحت و ارزش اخلاقی آن نیز باید مورد سنجش قرار گیرد. عمل داوری یا قضاوت<sup>۶۵</sup> توسط این هماهنگی<sup>۶۶</sup> در عالم بیرون صورت می‌گیرد. قضاوت انسان امری حسی و درونی است، اگر این هماهنگی مورد قضاوت صحیح قرار گیرد. وقتی تأثرات به عنون یک ارزش اخلاقی مناسب در ذهن نقش می‌بندد، در ذهن به عنوان یک وظیفه یا تکلیف نمود پیدا می‌کند. این هماهنگی باعث تولید یک عمل ارادی می‌گردد.<sup>۶۷</sup> اندیشه‌ی رواقی هر آنچه را که مخالف با طبیعت حرکت کند، انفعال می‌نامد. انفعال به صورت اندوه، ترس، لذت، تمنا و غیره نمود پیدا می‌کند. چون این انفعال‌ها باعث عدم داوری صحیح در مورد حوادث بیرونی می‌شود، اموری غیرعقلانی محسوب می‌شوند، اما داوری صحیح در مورد حوادث بیرونی، شجاعت محسوب می‌شود. انسان برای اجتناب از شر باید حالت خون‌سردی خود را حفظ کند.<sup>۶۸</sup> در واقع انسان به وسیله عقل با طبیعت کیهانی مرتبط می‌شود؛ پس عقل نمود جهانی است و تکالیف و وظایف جملگی در عقلانیت مشترک، نمود پیدا می‌کنند. انسان بالطبع موجودی انسانی و طالب خیر و درستی است و وقتی بداند که خیر امری طبیعی است و بر وفق نظام هستی از آن دوری نمی‌کند.<sup>۶۹</sup>

### نتیجه‌گیری

پاتنه‌ایست کسی است که معتقد به همه‌خدایی و همه‌وجودگرایی، نوعی از جهان‌بینی است که خدا و جهان را یک واحد و یک موجود مقدس تلقی می‌کند. از نظر این مکتب تمام علل و عوامل و مشیت الهی در سراسر هستی از طرف لوگوس الهی جریان دارد و خود لوگوس یا خدا در بطن هستی قرار گرفته است. هستی نمود خداست. همه چیز از قبل مقدر شده است و امور اخلاقی حاصل نمود و فعالیت

<sup>۶۳</sup> - علی اصغر، حلبی، تاریخ سیر فلسفه اروپا، ج ۱، ص ۱۹۶.

<sup>۶۴</sup> - phantathia.

<sup>۶۵</sup> - Judgment, (dogmata).

<sup>۶۶</sup> - Harmoniums, (heimarmene).

<sup>۶۷</sup> - Marcia Colish, Stoic Tradition from Antiquity to the early middle Ages, ۱۹۸۵. Vole, page ۵۳-۵۱.

<sup>۶۸</sup> - حسن معلمی، مبانی اخلاق در فلسفه‌ی غرب، اسلامی، ص ۴۰-۳۸.

<sup>۶۹</sup> - ال هولمز، رابرت، مبانی فلسفه‌ی اخلاق.

عقل در این جهان است و عقل انسانی نیز جزئی از این هستی است. بالاترین فضیلت از دیدگاه رواقیان زیستن هماهنگ با عقل جهانی و تسلیم شدن در برابر قانون الهی است. طبیعت (انسانی یا کیهانی) جزئی از این قانون کل است. قانون همان تقدیر و مشیت (علم) الهی است که فعل انسانی باید بر آن منطبق باشد. انسان‌ها موجودات عاقلی هستند که می‌توانند به نحو ضروری از قوانین طبیعت آگاه شوند و از آن تبعیت کنند. در حقیقت، طبیعت خاص انسان خرد اوست. از این روزیستن بر وفق طبیعت، خرد است. انسان با زیستن بر وفق خرد و طبیعت با مجموعه کائنات همساز می‌شود؛ چرا که خرد تنها از آن انسان نیست، بلکه در درجه اول از آن وجود تام و جهان هستی است. در پرتو خرد، زندگی ما نه تنها با خود ما بلکه با سراسر جهان همساز می‌شود، یعنی همان‌گونه که کل هستی هماهنگ با هم در یک حرکت دورانی به سوی زمان حریق جهانی پیش می‌رود؛ انسان نیز با تبعیت از عقل خود، هماهنگ با عقل جهانی حرکتی کند. رواقیون بر این باور بودند که هنجارهای رفتار اخلاقی، از سرچشمه‌ی خرد ناب بر می‌خیزد، چرا که خرد فردی، بخشی از خرد جهانی است و در نظم خردمندانه‌ی کیهانی سهم دارد. از نظر رواقیان، موضوع اخلاق و واقعیتی که اخلاق با آن سروکار دارد، واقعیتی کاملاً متمایز از انسان است. البته در میان واقع‌گرایان، در این که آیا این تمایز و خاص بودن واقعیات اخلاقی، با طبیعی دانستن آنها سازگار است یا نه، اختلاف وجود دارد. اگر واقعیات‌های اخلاقی اموری عینی هستند که از هرگونه باوری که ما درباره‌ی آنها داریم کاملاً مستقل‌اند؛ درستی یک عمل، بر اساس اعتقاد من یا هر کس دیگر و یا حتی توافق همگانی تعیین نمی‌گردد. اگرچه همیشه به باورهای صادق نمی‌رسیم و امکان خطا در تعیین صدق و کذب وجود دارد، ولی صدق باورهای اخلاقی امکان‌پذیر است. بنابراین واقعیات اخلاقی مستقل از ادراک و احساس ما وجود دارد. اگر عقل سالم هر انسانی، نظم عمومی کیهان را باز می‌تاباند، می‌توان نتیجه گرفت که در این مطالبه‌ی اخلاقی باید با درایت خردمندانه رفتار کرد، زیرا اخلاق، با قوانین کیهان سازگاری و با کل طبیعت مطابقت دارد. پس امور و قوانین اخلاقی در بیرون و در جهان خارج وجود دارد. لوگوس به مفهوم رواقی آن، نه تنها خاستگاه همه چیز، بلکه بنیاد قانونمندی رویدادهاست. در یک قانونمندی عمومی، نه تنها اشیا، بلکه شناسنده‌ی آنها نیز مستتر است. به این ترتیب، ساختارهای تفکر مفهومی و واقعیت برهم منطبق‌اند. بنابراین، درک لوگوس به مثابه اصل یک نظم کیهانی، نه تنها کارکرد معرفت‌شناختی و متافیزیکی مهمی دارد، بلکه این آموزه فراتر از آن این امکان را نیز پدید می‌آورد که روند طبیعت هم علی و هم غایتمندانه، فهم شود. آنجا که غایت‌ها تأثیرگذارند، اهدافی نیز وجود دارند که می‌بایست متحقق گردند و این به این معناست که طبیعت، مطابق درک غایت‌شناختی، نظمی هنجاری نیز به حساب می‌آید. خصلت هنجاری مفهوم رواقی طبیعت، برشالوده‌ی کارکرد آن در فلسفه‌ی اخلاق استوار است که واحد خصلتی موافق با حق طبیعی است.

## منابع

۱. استید، کریستوفی، *فلسفه در مسیحیت باستان*، ترجمه: سلیمانی اردستانی، عبدالکریم، قم: مطالعات و تحقیقات ادیان مذاهب، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲. اوپی آرمسن، جیمز، *دانشنامه‌ی مخلص فلسفه و فیلسوفان غرب*، فیلسوفان یونان و روم، ترجمه: اعلم، امیرجلال‌الدین، تهران: بوستان توحید، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۳. بریه، امیل، ۱۳۵۳، *تاریخ فلسفه در دوره انتشار فرهنگ یونانی و دوره رومی*، ترجمه علی مراد داودی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم.
۴. بوچورف، پانایوف، *واقع‌گرایی اخلاقی*، ۱۳۸۰ ترجمه: اکبر سید حسینی، چاپ معرفت، چاپ اول.
۵. حلبی، دکتر علی اصغر، ۱۳۸۳، *تاریخ سیر فلسفه در اروپا*، از دوره پیش سقراطی تا پایان عصر روشنگری، تهران، نشر قطره.
۶. ژکس، فلسفه، ۱۳۶۲، *اخلاق یا حکمت عملی*، ترجمه سیدابوالقاسم پورحسینی، تهران، چاپ گهر، چاپ اول.
۷. شهیدی، دکتر سید جعفر، *لغت‌نامه، فرهنگ متوسط دهخدا*، ۱۳۸۵، دانشگاه تهران.
۸. صلیبا، جمیل، دکتر، *فرهنگ فلسفی*، ۱۳۸۵، تهران، انتشارات حکمت.
۹. کاپلستون، فردریک، ۱۳۸۰، *تاریخ فلسفه یونان و روم*، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبوی، انتشارات سروش، تهران، چاپ چهارم.
۱۰. لائرتیوس، دیوگنس، ۱۳۸۷، *فیلسوفان یونان*، ترجمه از یونانی به انگلیسی: آرد. دی. هیکنس بهراد رحمانی، تهران، نشر مرکز، چاپ اول.
۱۱. لوین، پروفیسور و چند تن از اساتید فلسفه غرب، ۱۳۷۰، *فلسفه یا پژوهش حقیقت*، ترجمه دکتر سید جلال‌الدین مجتبوی، انتشارات حکمت، چاپ دوم.
۱۲. مک ناوتن، دیوید، ۱۳۸۶، *بصیرت اخلاقی*، ترجمه محمود فتحعلی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم.
۱۳. مطهری، مرتضی، *آشنایی با علوم اسلامی*، ج ۲ (کلام، عرفان، حکمت عملی).
۱۴. معلمی، حسن، ۱۳۸۰، *مبانی اخلاق در فلسفه غرب*، تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۱۵. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۵، *نقد و بررسی مکاتب اخلاق*، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.
۱۶. هولمز، رابرت ال، ۱۳۸۵، *مبانی فلسفه اخلاق*، ترجمه: مسعود علیا، تهران، ققنوس، چاپ اول.

۱۷. ورنر، شارل، ۱۳۷۳، سیر حکمت در یونان، ترجمه بزرگ نادرزاد، انتشارات زوار، تهران،

چاپ اول

۱۸. A.A.Long & D.N Sedely, ۱۹۸۷, The Hellenistic Philosophers, with philosophy commentary, Cambridge University Press, vol. ۱

۱۹. Baltzly, Dirk, ۲۰۰۳, Stoic Pantheism, School of Philosophy and Bioethics Monash University Clayton, Victoria, Australia Sophia, Vol. ۲

۲۰. Brunschwig, Jacques, ۲۰۰۳. Stoic Metaphysics, The Cambridge Companion to the Stoics. Ed, Brad Inwood, Cambridge University Press

۲۱. Laertius, Diogenes, ۲۰۱۰, lives of eminent philosophers, translated by Robert Drew Hicks, published by ebook@ Adelaide University, vol ۲,

۲۲. M.Colish, ۱۹۸۵, the Stoic Tradition from Antiquity to the early middle Ages, Vole, ۱

۲۳. O.Stephens, William, ۲۰۰۷, Stoic Ethic, Epictetus, and happiness as freedom, pressed, London,

۲۴. Sedley, David, ۱۹۸۴, The Stoic theory of universals', Cambridge University Press

۲۵. Oldmeadow, Harry, ۲۰۱۰, rithjef School and The Perennial Philosophy, foreward by William stoddart, F Indian, pressed world wisdom

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی